

## کردار و پندار سیاسی مرکز جاسوسی پاکستان

### اهداف سری مداخلات مرکز جاسوسی آی اس آی و خواب های خوش

#### پاکستان :

آقای نواز شریف نخست وزیر پاکستان به دعوت رئیس جمهور افغانستان به کابل تشریف آورد و در یک بیانیه مطبوعاتی آقای شریف تاکید کرد که پاکستان در کنار افغان ها می ایستد و در بخش های مختلف از تامین ثبات و امنیت تا همکاری اقتصادی کمک میکند . این نوع وعده ها در ملاقات های سیاسی گذشته با آقای کرزی از جانب پاکستان که صرف یک اظهارات سیاسی است زیاد نموده ولی افغان ها این اظهارات زعمای پاکستان را جدی تلقی نمی کنند و به سیاست پاکستان در مورد آوردن صلح کدام تغییری دیده نشده و پاکستان به همان سیاست خود که انرا عمق استراتژیک می گوید در مورد افغانستان ادامه میدهد .

اهداف سری مداخلات مرکز جاسوسی پاکستان که میخواهند دارودسته

طالبان را به افغانستان دوباره به قدرت برسانند و برای این منظور یک گروه نظامیان و جنرال های پشتون تبار و بازنشسته اردوی پاکستان و یک تعداد از ملا های دیوبندی گروه افراطی گراه که از اساسات فرقه وهابی پیروی میکنند متحداً عملیات تروریستی را بر ضد افغانستان حمایه و مدیریت میکنند .

مدت ها است که در مصاحبه ها و تحلیل های سیاسی توسط آگاهان مسایل سیاسی در رسانه های کشور مداخلات مستقیم و غیرمستقیم مرکز جاسوسی پاکستان به بحث کشیده میشود و همچنان در نشرات دیداری و چاپی بطور گسترده راجع به روش و تاکتیک های مرکز جاسوسی پاکستان که تحریک طالبان را یکبار دیگر به افغانستان به قدرت برسانند در نشرات کشور تذکر داده میشود اما راجع به مرکزی جاسوسی پاکستان و چگونگی فعالیت این دستگاه مخرب معلومات کافی در دست نیست ، برای آنکه بتوانیم به فعالیت های جاسوسی پاکستان نظر اندازی کنیم لازمست که بطور فشرده تاریخچه پیدایش و فعالیت های جاسوسی آی اس آی را نخست توضیح دهیم.

#### پس منظر سازمان جاسوسی پاکستان :

راپوری در سایت دستگاه نشراتی بی بی سی بتاریخ 9 اکتوبر 2006 در مورد سازمان جاسوسی آی اس آی بطور مختصر ولی جالب نشر نمود و آی اس آی را یک حکومت دیگر در پهلوی حکومت اسلام آباد یاد نمود .

در سال 1948 پاکستان با هند در گیر نظامی نمود که بنام جنگ اول کشمیر یاد میشود و منجر به مغلوب شدن قوای نظامی پاکستان گردید و در همین سال حکومت نو تاسیس پاکستان سازمان امنیتی را که مختصر بنام آی اس آی معروف است تاسیس نمود که مرام اولی این تشکیل انسجام فعالیت های اردو , قوای بحری و هوایی کشور نو تشکیل که به تازگی از بدنه کشور هند جدا گردیده بود و برای آنکه هر نوع توطئه را در اردو کشف و خنثی نماید به فعالیت امنیتی شروع نمود ولی بعد ها هدف اصلی و سیاسی این سازمان بتدریج وسعت پیدا کرد که نه تنها در بخش اردو بلکه در مورد زعماء و رهبران سیاسی پاکستان که به طرز انتخابی در کشور اجرای وظیفه میکردند روش های سیاسی و مراودات اجتماعی رهبران سیاسی پاکستان را زیر نظر داشتند و حتی ایجنت های آی اس آی در داخل احزاب سیاسی پاکستان رخنه نمود و با تاکتیک ها و روش های تزویر آمیز فعالیت احزاب سیاسی را تحت مراقبت گرفتند و اشخاصی را که مخالف روش های سیاسی حکومت نظامی پاکستان بود و یا آیدییای تجزیه طلبی داشتند که خطری برای حکومت نظامی پاکستان ایجاد مینمود با تهدید و اعمال زور و فشار فعالیت های رهبران سیاسی و حزبی پاکستان را خنثی و پروگرام های سیاسی و حزبی آنها را بر هم میزد.

در سال 1950 پاکستان شامل پکت نظامی سیتو گردید و این پکت یک اتحاد نظامی و دفاعی را بر ضد قوای کمونست شوروی آنوقت تشکیل میداد و اردوی پاکستان از جانب کشور های غربی بخصوص کشور امریکاه و انگلستان کمک های نظامی شد و بخش های مهم اردو را با اسلحه و تجهیزات مدرن نظامی آراسته ساختند و در پهلوی آن اشخاص با هوش و فعال اردو را انتخاب و برای تعلیم نظامی و جاسوسی به مرکز جاسوسی سی آی ای در امریکاه و انگلستان فرستاده شدند که بعد از بازگشت هریک از این افراد تعلیم دیده سی آی ای در تشکیل جاسوسی پاکستان موقوف مهم اداری را احراز نمودند و دستگاه جاسوسی پاکستان از آن زمان تا امروز یک ارتباط تنگاتنگ و مهم با مرکز جاسوسی سی آی ای امریکاه و انگلستان بر قرار نمودند .

بعد از تجزیه نیم قاره هند به دو کشور هندوستان و پاکستان مناطق سرحدی که اقوام پشتون جبرا به خاک پاکستان ضمیمه گردید و بنام سرحد آزاد برای پشتون های ماورای سرحد خود کفائی اداری اعطاء گردید و در جنگ هند و پاکستان پشتون های ماورای سرحد به منظور خدمات عسکری جذب گردید که عملیات های نظامی را برای پاکستان انجام میدادند پشتون های شمال غربی پاکستان بخش عمده اردوی پاکستان را تشکیل میداد و خدمات نظامی پشتون های پاکستان نسبت به پنجابی ها که اکثریت قوم پاکستان را تشکیل میدهند زیادتیر و یا معادل به نظامیان پنجابی بود و امروز پاکستان دارای نیم ملیون اردو است و گفته میشود که بیست و پنج فیصد آنرا اقوام پشتون تبار مناطق سرحدی تشکیل میدهد ( ویب سایت بی بی سی نیوز , جمعه 29 دسمبر 2006, کراچی ).

جنرال ایوب خان، قوماندان اردوی پاکستان در سال 1958 در اثر یک کودتای نظامی در پاکستان به قدرت رسید و ایوب خان برای تقویه حکومت نظامی خویش مرکز جاسوسی آی سی آی را پیش از پیش تقویه نمود و به توسعه فعالیت های این مرکز سعی بلیغ نمود.

پاکستان از اقوام مختلف مانند سندی، بلوچی، بنگالی، پنجابی و پشتون تشکیل و هریک از این اقوام منتظر فرصت بودند که از پاکستان جدا و کشور مستقل اعلان نمایند و این احساس تجزیه طلبی اگر موفق میشد منجر به از بین رفتن کشور پاکستان میگردد. حکومت ایوب خان برای کنترل این اقوام مختلف افسران از هر قوم مختلف را نظریه دانش و تجربه نظامی انتخاب و به سازمان جاسوسی آی اس آی معرفی نمود و به این ترتیب توسط این ایجننت ها هر فعالیت تجزیه طلبی اقوام را در نطفه خفه نمود.

حکومت نظامی در پاکستان از سال 1958 الی 1971 ادامه داشت و زمانی که پاکستان شرقی به کمک روسیه و هند رقیب بزرگ سیاسی پاکستان جدا گردید و کشور بنگله دیش را تشکیل نمود که این واقعه ناگوار سیاسی به پاکستان گران تمام شد و به اردوی پاکستان لطمه بزرگ سیاسی و نظامی وارد ساخت و از اهمیت و پرستیژ سازمان جاسوسی آی اس آی پاکستان نیز کاسته شد.

در سال 1972 زولفقار علی بوتوبه حیث یک رهبر غیر نظامی در اس حکومت پاکستان به حیث رئیس جمهور تعیین گردید، و برای توازن قوا با هند زولفقار علی بوتو پروژه مخفی اتمی را براه انداخت و از جانب دیگر در دوران حکومت بوتو بار دیگر فعالیت های آزادی خواهی بلوچ هم از دیاد بخشید که باز هم توسط مرکز جاسوسی آی اس آی رهبران تجزیه طلب بلوچ به نحوی از آنها به شکست مواجه شد. و مرکز جاسوسی پاکستان یک بار دیگر حیثیت از دست رفته را نزد رهبران سیاسی پاکستان ترمیم نمود.

بوتو یک زعيم غير نظامی بود و در دوران حکومت وی به افسران و جنرالان اردو طوری که شاید و باید رسیدگی کرده نتوانست و از روش بوتو افسران و جنرالان نظامی اظهار نارضایتی نمودند و باز هم نظامیان به کمک مرکز استخبارات آی اس آی توطئه برچیده و کوتای نظامی را به رهبری جنرال ضیاالحق براه انداخت، حکومت بوتو را از بین بردند و بوتو را دستگیر و در محکمه نظامی محکوم به اعدام و بدار آویختند.

اشغال افغانستان توسط روسیه شوروی و کنترل هفت تنظیم پشاور توسط آی اس آی:

افغانستان بتاريخ 12 دسمبر 1979 (6 جدی 1385 خورشیدی) توسط ارتش سرخ روسیه کمونست اشغال شد و این حرکت نظامی روسیه حلقه های سیاسی امریکه و متحدین غربی اش را سراسیمه نمود و کشورهای یورپ و امریکه متحدًا به این

نظر بودند که صرف کشور پاکستان مانع رسیدن روسیه شوروی به آبهای گرم بحر هند باقی مانده که اگر جلوی پیشروی روسیه در افغانستان گرفته نشود کشور پاکستان دیر یازود در اثر فشارهای نظامی روسیه از یک سواز جانب افغانستان و در شرق پاکستان توسط کشور هند هم پیمان روسیه شوروی فرو خواهد پاشید و بلاخره روسیه به آرزوی دیرین خویش که رسیدن به خلیج فارس و بحر هند است خواهد رسید ، و قدم بعدی روسیه کنترل خلیج فارس و اشغال چاه های نفت سعودی و کشورهای خلیج خواهد بود، که برای غرب اهمیت بزرگ استراتژی و اقتصادی دارد رسیدن قوای روس در خلیج فارس بکلی وضع سیاسی منطقه را دیگر گون خواهد ساخت که اگر جلو این پیش آمد ناگوار سیاسی و نظامی روسیه شوروی بطور جدی گرفته نشود کشورهای غرب و امریکاه به یک بحران بزرگ سیاسی و اقتصادی روبرو خواهد شد.

جمی کارتر رئیس جمهور امریکاه و مشاور سیاسی وی آقای زیگنرف برزنسکی برضد تعرض روسیه شوروی در افغانستان یک اتحادیه از کشورهای عرب و کشورهای غربی را بوجود آورد که متشکل از ممالک برتانیه ، فرانسه ، آلمان ، چین ، ترکیه ، سعودی عرب ، مصر و شیخ نشینان اطراف خلیج فارس بود و حکومت انقلابی ایران نیز مجاهدین ساحه غرب و مرکزی افغانستان را اکمالات نظامی و مالی مینمود.

امریکاه و متحدین غربی نظربه پافشاری حکومت پاکستان که بانیست کمک های مالی و تهیه اسلحه که از جانب امریکاه و متحدین اش برای هفت تنظیم افغان در پشاور باید از طریق سازمان جاسوسی آی اس آی صورت بگیرد. و برای کنترل بهتر فعالیت های چریکی در افغانستان دستگاه جاسوسی پاکستان یک شعبه بخصوص بنام افغانستان تاسیس و یک تعداد از مامورین بلند پایه و پشتون تبار را نظربه همسوی زبان و مشابهت کلتوری مانند جنرال حمید گل ، نصیر اله بابر ، خالدخواجه آفسر مهم دستگاه آی اس آی و کرنیل امیر سلطان مشهور کرنیل امام مامور تنظیم جنگ های چریکی گروپهای پشاور شدند و کرنیل امام را به حیث موسس و پیشوای تحریک طالبان نیز میدانند ، این اشخاص با رهبران هفت تنظیم ارتباط مستقیم برقرار و مسایل کمک پولی و توزیع اسلحه برای هفت تنظیم که مقرر آنها در پشاور بود به امر و فرمایش مامورین بلند پایه آی اس آی کمک های پولی توزیع میکردند و کمک های جهانی به مبالغ هنگفت ، هزارها ملیون دالراز جانب امریکاه و متحدین غربی ابتدا به مرکز جاسوسی آی اس آی سرازیر می شدو مامورین آی اس آی اختیارات تام داشتند که به کدام تنظیم و به چه مقدار پول و اسلحه توزیع نمایند و کدام مرجع دیگر وجود نداشت که روش مامورین بلند پایه آی اس آی را بررسی و کنترل کند ، چون گلبدین حکمتیار حتی قبل از اشغال روسیه در افغانستان با اردوی پاکستان یک رابطه تنگاتنگ داشت قسمت زیاد کمک ها به تنظیم گلبدین ارسال میشد . مامورین آی اس آی از این کمک های نظامی جهان بهره بزرگ شخصی برده و قسمت زیاد این کمک های پولی که برای افغانستان ارسال میشد که به جیب جنرال های پاکستان می افتاد ، جنرال ها

و مامورین آ‌ی اس آ‌ی در یک تجمل غیر تخیل در پاکستان زندگی داشتند و حتی میگفتند که ویسکی و خوراک سگ شان از اروپا بنام شخص جنرال وارد و توسط مامورین گمرکی پاکستان به دهن در جنرال ها تسلیم داده میشد.

### خواب خوش رهبران سیاسی پاکستان :

رهبران هفت تنظیم متشکل از شخصیت های مذهبی و یا سرکردگان قومی و تباری در مناطق مختلف در افغانستان بودند و این تنظیم ها با هم یک استراتژی مشترک دفاعی نداشتند و هر گروه بطور مستقل در منطقه تحت نفوذ خویش به فعالیت های چریکی و ضد کمونستی در مقابل حکومت کابل فعالیت داشتند و اکثر این رهبران با یکدیگر رقابت های قومی و تباری نیز داشتند و با روش ها و تکتیک های جنگی یکدیگر بکلی بی علاقه بوده و بعضا گروه ها نظریه حسادت و تنگ نظری با هم درگیر نظامی میکردند و مسئولین آ‌ی اس آ‌ی این بی اعتمادی و خصومت های شخصی را به منظور کنترل بیشتر هفت تنظیم تشویق و تقویه مینمود. هر حرکت و فعالیت این هفت تنظیم از جانب مرکز جاسوسی پاکستان رهنمائی و کنترل میشد. و از جانب دیگر هفت تنظیم مرکز فعالیت چریکی را بطور اجبار نظریه شرایط جغرافیائی و اتباطات گروه های قومی و سمتی شهر پشاور را انتخاب و از آنجا در ساحه جنوب و جنوب غرب به سهولت داخل خاک افغانستان شده با قوای کمونست درگیر میشدند ، همچنان هشت تنظیم شیعه از جانب حکومت اسلامی ایران در افغانستان تقویه و حمایه میشد، صرف گروه آقای شیخ محسنی، شیعه پشتون تبار قندهاری با دولت اسلامی ایران در تضاد بود.

نظریه ضرورت و اجبار هفت تنظیم چاره دیگر نداشتند به جز اینکه از اوامر و فرمایش دستگاه آ‌ی اس آ‌ی پیروی نمایند. و در نشست های بین المللی حکومت پاکستان به نیابت هفت تنظیم پشاور در مذاکرات سهم میگرفت و حتی در مذاکرات سویس روس ها به منظور بیرون کشیدن قوای خویش از افغانستان با پاکستان مذاکرات مستقیم را آغاز نمود که این روش یک لطمه بزرگ سیاسی برای مجاهدین افغان گردید و کشورهای غربی نیز از سرپرستی سیاسی افغانستان توسط پاکستان در خفا نیز موافقه داشتند و این امر جنرال ضیاالحق را به این مفکوره انداخت که سرنوشت سیاسی و اقتصادی افغانستان به حیث یک کشور تحت الحمایه بانیست توسط پاکستان تعیین و تثبیت شود و بنا بر این نظر حکومت ضیاالحق موضوع کنفدریشن پاکستان و افغانستان را به حیث یک روکش سیاسی در دستگاه های نشراتی بین المللی توسط مصاحبه ها ، نشرات و بیانات سیاسی تبلیغات نمود و قبلا برای رهبری سیاسی افغانستان گلبدین حکمتیار را که رابطه دیرین با رهبران اردوی پاکستان داشت تعیین گردید .

بعد از بیرون رفتن قوای روس از افغانستان بین هفت تنظیم طوری که در حلقه های سیاسی بین المللی پیش بینی شده بود اختلاف نظر روی کنترل سیاسی و اداری افغانستان بروز نمود که با میان جگری استخبارات پاکستان حکومت های

موقت سه ماهه و شش ماه توسط تنظیم هفت گانه موافقت شد ولی همه این تنظیم ها با کنترل کامل سیاسی گلبدین حکمتیار موافقت نداشتند و از جانب دیگر قوای احمد شاه مسعود رقیب سرسخت حکمتیار فاتحانه داخل کابل و کنترل اداری شهر را در دست گرفت که این واقعه به دستگاه جاسوسی پاکستان و متحد آن گلبدین حکمتیار گران تمام شد و پلان کنفدریشن را برهم زد و گلبدین حکمتیار شهر کابل را با شلیک هزارها راکت از چهار آسیاب ویران و شهروندان بی دفاع کابل را به فرار مجبور ساخت و در این جنگ ها به تعداد صد ها هزار اهالی کابل جان خود را از دست دادند و موقف سیاسی حکمتیار و همدستان اش در ساحه ملی و بین المللی ضعیف گردید و استخبارات پاکستان گروه پدیل حکمتیار را بنام تحریک طالبان از جانب کوئته به قندهار سوق داد و مدت شش نیم سال گروه افراطی گراه و هابی طالبان یک وحشت عجیب و ترور اقوام دیگر را در افغانستان براه انداخت و زنها را به اسارت در آورد، مکاتب را بست و خانه ها را به آتش کشید، بت های بامیان کهن را ویران نمود.

واقعه یازده سبتمبر در امریکا سرنوشت سیاسی افغانستان را بکلی تغیر داد و افغانستان را جبرا از زیر نفوذ استخبارات پاکستان بیرون کشیده شد. قوای امریکا با کمک متحدین نظامی مسعود بنام اتحاد شمال رژیم طالب را در افغانستان از بین برد و ملامه عمر با دار دسته اش دوباره به کوه های وزیرستان شمالی متواری شد.

واقعه یازده سبتمبر و آزادی افغانستان از تحت کنترل طالبان برای استخبارات پاکستان که در اثر تلاش بیست ساله بالاخره موفق شده بودند که افغانستان را دیفکتو به حیث ولایت پنجم پاکستان در آورند قابل قبول نبود، و استخبارات پاکستان باز هم امید را از دست نداده به این مفکوره رسید که بعد از سپری شدن چند سالی امریکاه و قوای ناتو بالاخره افغانستان را ترک خواهد نمود و ملامه عمر و دار دسته وی را استخبارات پاکستان در کوئته به منظور کنترل دوباره افغانستان در تحت حمایه خویش قرار داد و وجنیش طالب را از طریق بمب گذاری و عملیات تروریستی طالبان را دستگاه نشراتی پاکستان توسط سخنگویان طالب در اذهان جامعه جهانی زنده نگهداشت و قوای امریکاه که سخت مصروف جنگ عراق بود قضیه افغانستان را سهل انگاری نمود از این فرصت استخبارات پاکستان استفاده نموده و کمپ های تروریستی را تاسیس و افراطی گران طالب را تربیه نمود و ملاداداله یکی از پیشقراولان تروریستی طالبان با لاف و گزاف پروگند را براه انداخت که در شروع هر فصل بهار عملیات تروریستی را در بخش های جنوب و جنوب غرب افغانستان شروع مینمود و برای این حملات تروریستی به تعداد ده هزار طالب در کمپ های وزیرستان شمالی تربیه و آماده حملات تروریستی بودند.

تروریستان طالب از سرحدات پاکستان بدون کوچکترین موانع عبور و در داخل کشور افغانستان به فعالیت های دهشت افگنی، بمب گذاری و انفجار بمب انتحاری مبادرت و اشخاص بیگنا، شاگردان مکاتب، مدرسین، پرسونل امنیتی

وارکان اداری را ترور و ساختمان ها و مکاتب رابه آتش می کشیدند و مانع هر نوع پروژه های انکشافی، زیربنائی و ساختمانی مانند تمدید شاه هراه ها و بند وانهار که در سطح زندگی مردم بخصوص در ولایات جنوب و جنوب غرب یک تغییر مثبت وارد میسازد همه را نابود میسازند. این تروریستان در داخل پاکستان با روش های تروریستی توسط استخبارات پاکستان در کمپ های مخفی تربیه و بعد بسوی افغانستان به منظور ترور و خرابکاری فرستاده میشوند. مسئولین نظامی ناتو این موضوع را با حکومت پاکستان در میان گذاشت و از مسئولین سیاسی و مرکز جاسوسی پاکستان جدا تقاضا نمودند که بانیست دست از حمایه مستقیم تروریستان و هراس افگنان بردارد.

رئیس جمهور افغانستان یازده مراتب با رهبران سیاسی و اداری پاکستان دیدار و باد لایل و شواهد قوی و حتی تهیه لست آدرس و نمرات تیلیفون تروریستان طالب را به مقامات مسئول پاکستان تسلیم و مکرراً تقاضا نمود که کمپ های تروریستی را که تحت نظر مرکز استخبارات پاکستان فعال است ببندند و طالبان تروریست را که در مناطق سرحدی و شهر کویته بطور آزاد در فعالیت اند دستگیر و تسلیم افغانستان نماید ولی پاکستان با دیده درائی خاصی از مرکز جاسوسی آی اس آی دفاع و از وجود کمپ ها بکلی انکار و آدرس تروریستان طالب را که توسط قوای ائتلاف تهیه گردیده بود نادرست اعلام نمود. و بالمقابل حکومت آقای کرزی را به ضعف سیاسی و اداری ملزم نمود.

رئیس استخبارات سی آی ای امریکاه آقای نگر و پانتهی در نشست کمیته بررسی نظامی سنات امریکا و استماع راپور جنگ عراق و افغانستان بالاخره سکوت را شکسته پاکستان را رسماً ملزم و اظهار داشت که خاک پاکستان مرکز رهائش و آسایش تروریست های طالب و القاعده گردیده ، و انتقاد کشورهای جهان در مورد حمایه تروریستان توسط شبه مخفی استخبارات پاکستان روز بروز بلند شد ولی پاکستان این همه اعلامیه ها را رد نمود و وجود کمپ های تروریستی را در داخل خاک خویش نفی مینمود. در اوایل رئیس جمهور امریکاه نظر به موقف حساس سیاسی و نظامی از فعالیت های ضد تروریستی پرویز مشرف در مصاحبه ها تمجید مینمود ولی بعد از مدتی است که واشنگتن از سیاست دوگانه پاکستان نا راضی و معاون رئیس جمهور بوش آقای دیک چینی برای چند ساعت در پاکستان توقف و پیام اخطار آمیز آقای بوش را به پرویز مشرف رسانید که بانیست کمپ های تروریستی القاعده و طالب مسدود و سرحدات بین افغانستان و پاکستان تحت کنترل در آورده شود.

در اخیر با نیست یاد آور شد که دور حکومت آقای کرزی بعد از سپری شدن چند ماه به پائین میرسد و حکومت جدید انتخابی باید یک سیاست مدبرانه با خط مش اساسی

در صورتی میتواند از پلان های اهر یمنی استخبارات پاکستان کشور را رهائی بخشد که سه بخش مهم را در دوران حکومت خویش تقویه نماید.  
اول : توسعه یک اداره وقی امنیت ملی است که صرف برای دفع فعالیت های مخرب استخبارات پاکستان فعالیت خویش را تمرکز داده و هر توطئه استخبارات پاکستان را به موقع آن کشف و آنرا خنثی گرداند و ایجنت های پاکستان را که در ارکان اداری حکومت کمرزی و موسسات عالی قانون گذاری ( نمایندگان شورا و مجلس اعیان کشور) نفوذ نموده اند شناسائی و فعالیت شان را خنثی سازند.

دوم : چون افغانستان در یک حالت اضطراری قرار دارد با نیست در بخش اردو و قوای پولیس شده اقلا به تعداد سه صد و پنجاه هزار عسکر مجهز با وسایل دفاعی مدرن تربیه گردد تا بتواند تجاوزات احتمالی دشمن را دفع و سرحدات افغانستان را تضمین کند و افزون بر آن به تعداد صد هزار پولیس ضرورت است که به واقعات جنائی در شهرها رسیدگی نماید.

سوم : قبل از اینکه قوای جامعه بین المللی افغانستان را ترک کند بانیست موافقه امنیتی بین امریکاه و افغانستان توشیح و به امضای رئیس جمهور رسانیده شود که خوشبختانه موافقه امنیتی توسط لویه جرگه مشورتی بتاريخ یکشنبه 24 نومبر سال 2013 به تصویب رسید و تصویب آن هر چه زودتر توسط شورای ملی امضای و توسط رئیس جمهور توشیح شود.

چهارم : بانیست به اوضاع اقتصادی کشور توجه جدی بعمل آمده و چون ملیونها افغان بیکار و 60 فیصد مردم افغانستان زیر خط فقر بسر میبرند باید به خلق کار در کشور اقدامات جدی صورت بگیرد ، حکومت بانیست در بخش پروژه های اقتصادی کوچک ، عام المنفعه و زود رس توجه مبذول داشته تا از این طریق جوانان محروم و بی روزگار کشور را در این پروژه ها جذب نماید و از پیوستن به صف طالبان جلو گیری بعمل آید.

در ارتباط به این موضوع نشرات آتی توسط نویسنده به نشر رسیده :

1--- ملاء عمر " صاحب دم عیسی، عدل سلیمان، اعصای موسی و امیر المومنین مسلمین

2--- در انتصاب رئیس امنیت ملی نباید سلقوی عمل شود

3--- قرارداد ترانزیتی اپتا